

Jurisprudential Analysis of Devotional Stay at Mash'ar-ul-Harâm

Ahmad Reza Khazaei^{1}, Mahdi Sahebifard²*

1. Assistant Professor, Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

2. Full Professor, Faculty of Theology, University of Applied Sciences, Tehran, Iran

(Received: December 17, 2019; Accepted: April 11, 2020)

Abstract

This research reviews the ruling of devotional halt at land of Mash'ar-ul-Harâm after the midnight of 'Eid-ul-Adha until before the dawn. An inquiry into the words of scholars indicates this ruling is controversial among jurists. The words of most of the jurists indicate that staying (mabit) at Mash'ar-ul-Harâm is obligatory. However, in the view of a number of late and contemporary scholars, staying until before dawn at Mash'ar-ul-Harâm is not obligatory. Some others decreed that pilgrims should be precocious about it. In order to prove the obligation of staying at Mash'ar-ul-Harâm the authors have cited to the practice of the Holy Prophet (PBUH) and the Infallible Imams (AS) as well as the traditions that allow women's moving to Mina in advance. However, in the view of those who believe it is not obligatory, the evidences of the jurists is not sufficient to prove the obligation of staying at Mash'ar-ul-Harâm at this period of time, because the Holy Prophet (PBUH)'s Practice (Sirah) by itself does not indicate its obligation. The permission of moving toward Mina in advance can also be a reason for facilitating the performing of rituals for those who have difficulties, without indicating the obligation of staying at night for the whole pilgrims. The research have used a documentary and library method. The results of the study show that the available evidences do not support the theory of the obligation of staying (mabit) at Mash'ar-ul-Harâm and the words of those who believe it is not obligatory is more nearer to the correct ruling.

Keywords: Passing the Night, Mash'ar, Devotional Stay, Dawn, Holy Prophet (PBUH)'s Practice (Sirah)

* Corresponding Author, Email: mehdisahebifard1174@gmail.com

پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۷، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰
صفحات ۷۲۴-۷۰۹ (مقاله پژوهشی)

واکاوی فقهی توقف در مشعرالحرام

احمد رضا خزایی^{۱*}، مهدی صاحبی فرد^۲

۱. استادیار، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

۲. استاد، دانشکده الهیات، دانشگاه جامع علمی کاربردی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۳)

چکیده

در تحقیق حاضر حکم توقف در سرزمین مشعرالحرام بعد از نیمه‌شب عید قربان تا قبل از طلوع فجر شده است. جست‌وجو در کلمات فقها بیانگر این است که حکم مزبور مورد اختلاف است. عبارات بیشتر فقها در وجوب مبیت در مشعرالحرام ظهور دارد، اما برخی فقهای متأخر و معاصر، سپری کردن شب و ماندن قبل از طلوع فجر در مشعر را واجب ندانسته و برخی نیز در این باره، حکم به احتیاط کرده‌اند؛ برای اثبات وجوب مبیت در مشعرالحرام به سیره پیامبر اکرم (ص) و معصومین (ع) و روایاتی که برای زنان، کوچ زودتر از موعد به‌منا را مجاز شمرده استناد صورت گرفته است، اما قائلان به عدم وجوب معتقدند ادله فقها برای اثبات وجوب مبیت در این بازه زمانی در سرزمین مشعرالحرام کافی نیست، زیرا سیره، به‌خودی‌خود بر وجوب دلالت ندارد و اعم از وجوب است و جواز حرکت به سمت منا زودتر از موعد نیز می‌تواند به‌دلیل تسهیل در امر انجام مناسک نسبت به معذوران صورت گرفته باشد، بدون اینکه بر وجوب توقف شبانه برای عموم حج‌گزاران دلالت داشته باشد. نتایج این پژوهش که به‌صورت اسنادی و کتابخانه‌ای و با تحلیل ادله صورت گرفته، حاکی از این است که ادله موجود، نظریه وجوب مبیت را پشتیبانی نمی‌کند و قول قائلان به عدم وجوب به صواب نزدیک‌تر است.

واژگان کلیدی

بیتوته، سیره، طلوع فجر، مشعر، وقوف.

۱. مقدمه

خداوند متعال در آیه شریفه «فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ» (البقره: ۱۹۸) حجاج بیت‌الله الحرام را پس از کوچ از عرفات، به ورود به این سرزمین امر کرده و از آنان خواسته است تا در این سرزمین مقدس به ذکر الهی مشغول باشند. مطابق با فتوای مشهور فقیهان امامیه، حج‌گزاران باید پس از توقف در سرزمین عرفات تا غروب شرعی، شبانگاهان از این سرزمین مقدس کوچ کنند و روانه مشعرالحرام شوند. طبق این فتوا بر عموم حج‌گزاران لازم است خود را به سرزمین مشعرالحرام برسانند تا بتوانند زمان وقوف واجب اختیاری بین الطلوعین را درک کنند، اما پرسشی که در این مجال، قابل طرح است این است که آیا توقف و ماندن در سرزمین مشعرالحرام از نیمه‌شب تا طلوع فجر نیز واجب است یا وجوب توقف در این سرزمین مقدس تنها به بازه زمانی طلوع فجر تا طلوع آفتاب اختصاص دارد؟

اگرچه از دیرباز در زمینه احکام و اعمال حج و وقوف در مشعر به‌عنوان یکی از ارکان حج، در کتاب‌های فقهی بزرگانی چون شیخ طوسی (ره) تا علمای عصر حاضر به‌وفور و به‌طور مبسوط بحث صورت گرفته است، لازم است بیتوته شبانه در مشعر نیز مطالعه شود؛ چه اینکه پذیرش هریک از قول وجوب و عدم وجوب می‌تواند تأثیر بسزایی در حکم حج‌گزاران و به‌ویژه عاملان حج داشته باشد، به‌خصوص در زمان حاضر که گاهی ازدحام جمعیت سبب می‌شود عده‌ای از حجاج تا نزدیکی‌های اذان صبح موفق به حضور در سرزمین مشعر نشوند. بنابراین بایسته است در این خصوص تأمل و تعمق بیشتری صورت گیرد تا پژوهشگران عرصه حج بتوانند مجموعه ادله‌ای را که در خصوص میبت شبانه در مشعر مطرح است، در اختیار داشته باشند و تحقیق حاضر سبب شود ابهامات موجود در مسئله روشن شده و گامی فراتر در حل مشکلات حج‌گزاران برداشته شود.

اما قبل از پاسخ به پرسش مطرح در ابتدای بحث مناسب است برخی مفاهیم محوری

تبیین شود.

۲. مفاهیم محوری

۲,۱. مشعرالحرام: حجاج در راه بازگشت از عرفات به سوی مکه، از وادی مأزمین می‌گذرند که میان دو کوه است. «مأزم» به معنای راه تنگ و به عبارت دیگر، تنگه است، این اشاره به دو راه رفت و برگشت تنگ این ناحیه دارد. حاجی با عبور از این وادی، به مزدلفه یا سرزمین مشعرالحرام می‌رسد و در سوی دیگر مشعرالحرام یعنی سمت منا، وادی محسّر قرار دارد که با گذر از آن وادی کوچک، وارد منا می‌شود. محدوده مزدلفه با تابلوهای بسیار بزرگی معین شده است و با جمله «بدایه مزدلفه» یا «نهایه مزدلفه» می‌توان حدود آن را شناخت. نامگذاری این نقطه به مزدلفه، یعنی محل ازدحام مردم، به دلیل اجتماع تمامی حجاج در شب دهم ذی‌حجه در آنجاست (جعفریان، ۱۳۸۴: ۱۳۳). گفتنی است گاهی مراد از مشعرالحرام، کوهی است که در این منطقه قرار گرفته و برای سروره یعنی کسی که تاکنون حج انجام نداده، مستحب است پس از ورود به این سرزمین بر آن قدم نهاد^۱ (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱: ۳۶۸).

۲,۲. وقوف: به معنای توقف و ماندن است. حاجیان پس از غروب روز عرفه باید به سوی سرزمین مشعرالحرام کوچ کنند و واجب است پس از رسیدن به این سرزمین، تا طلوع آفتاب در آنجا توقف داشته باشند (مظاهری، ۱۳۹۷: ۳۸۳).

۲,۳. بیتوته: از ماده «بات» به معنای ورود در شب است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸: ۱۳۸) و مراد از بیتوته در سرزمین مشعرالحرام، ورود شبانه (شب دهم ذی‌حجه) در این سرزمین و توقف شبانه (تا طلوع آفتاب) در آن است.

۳. اقوال

در خصوص حکم بیتوته حجاج در مشعرالحرام بعد از کوچ از سرزمین عرفات، دو قول مطرح است:

۱. و يستحب للضرورة أن يطأ المشعر الحرام، و لا يتركه مع الاختيار، و المشعر الحرام جبل هنك مرتفع يسمي فراخ.

۳،۱. وجوب مبیت در مشعر

شیخ طوسی در مبسوط بعد از تعیین محدوده مشعر فرموده است:

«سزاوار نیست برای حج گزار جز در این محدوده توقف داشته باشد، پس اگر مکان ضیق باشد جایز است از کوه بالا رود و زمانی که صبح عید فرا رسید، نماز صبح را به جای آورد و اگر خواست نزدیک کوه یا در محلی که شب را به صبح رسانده برای دعا توقف نماید» (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱: ۳۶۸).

اگرچه ایشان از عبارت «سزاوار نیست» استفاده کرده است، باید توجه داشت که در عصر ایشان از این عبارت که مأخوذ از روایات است، برای بیان حرمت استفاده می‌شده و انصراف به کراهتی که در زمان حاضر از این عبارت فهمیده می‌شود، ندارد و فقیهان بسیاری معتقدند کثیراً این لفظ در تحریم به کار می‌رود (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۴: ۲۶۷؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۱۳۰؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۷: ۱۷۴؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۵: ۴۱۸) و حتی برخی فقیهان معاصر بیان کرده‌اند در عصر صدور احادیث، ظهور این لفظ در کراهت معلوم نیست (سبحانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۳۹۶).

جناب شیخ مفید ره نیز فرموده‌اند:

«و نماز مغرب شب عید را تنها در مشعر به جا آورد، هر چند یک چهارم شب نیز رفته باشد، هنگام فرود در مشعر نماز مغرب و عشاء را با اذان و دو اقامه بخواند، زمانی که روز عید فرارسد، نماز صبح را بخواند و مانند وقوف در عرفه، در مشعر توقف نماید» (مفید، ۱۴۱۳ق: ۴۱۶).

عبارت ایشان در مقام بیان واجباتی است که بر عهده حج گزار است. از این رو در وجوب بیتوته شبانه در سرزمین مشعر الحرام ظهور دارد.

ممکن است گفته شود اگر بپذیریم ایشان در مقام بیان واجبات حج بوده است باید

۱. و لا ینبغی أن یقف إلا فیما بین ذلک فإن ضاق علیه الموضع جاز أن یرتفع إلى الجبل. فإذا أصبح یوم النحر صلی الفجر و وقف للدعاء إن شاء قریبا من الجبل و إن شاء فی موضعه التي بات فیہ.

معتقد شویم نظر ایشان بر وجوب خواندن نماز مغرب شب عید در مشعر است و ادای نماز در خارج از مشعر باطل است و این مطلبی است که قابل پذیرش نیست. اما در پاسخ می‌توان گفت از خارج معلوم است که ادای نماز واجب منحصر در مکان خاصی نیست، از این رو از کلام ایشان استحباب خواندن نماز مغرب در مشعر فهمیده می‌شود.

صاحب مدارک الاحکام، وجوب مبیت شبانه در مشعر را قابل استفاده از ظاهر عبارت اکثر فقها دانسته و با اینکه از جناب علامه حلی (ره) در تذکره قول عدم وجوب را نقل می‌کند، در نهایت اعتقاد ایشان بر این سامان می‌یابد که قول أصحاب، وجوب مبیت در مشعر است و برای این وجوب ادله‌ای را برمی‌شمرد (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۷: ۴۲۳).

صاحب جواهر نیز مبیت در مشعر را واجب دانسته و ادله وجوب را چنین برمی‌شمرد: «قول به وجوب مبیت در مشعر، همان‌گونه که از ظاهر عبارت اکثر فقها استفاده می‌شود، قوی است، به دلیل تأسی به فعل نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام و قول امام علیه السلام در صحیح معاویه بن عمار و حماد از حلی از امام صادق علیه السلام که حضرت فرمودند: «از حیاض (مرز مشعر) شب مشعر عبور نکن، بلکه شاید صحیحه دیگر معاویه بن عمار که حضرت فرموده‌اند: «صبح کن بر طهارت بعد از اینکه نماز صبح را به جای آوردی...» نیز بر این وجوب دلالت داشته باشد، بلکه چه بسا در این حدیث، وجوب مبیت، مفروغ عنه انگاشته شده کما اینکه ظهور در مفروغ بودن وجوب از سایر نصوص نیز فهمیده می‌شود.» (صاحب جواهر، بی‌تا، ج ۱۹: ۷۳).

تتبع در کلمات فقیهان متأخر و معاصر حاکی از تمایل آنان به پذیرش قول وجوب یا حداقل رعایت احتیاط در این باره است. برای نمونه محقق خوئی مبیت در مشعر را در شب عید قربان مطابق با احتیاط می‌داند (خوئی، ۱۴۱۱ق: ۱۶۱).

امام خمینی (ره) و آیت‌اله فاضل لنکرانی (ره) زمان وجوب وقوف در مشعر را بین الطلوعین می‌دانند، اما در عین حال در مورد وقوف شبانه در مشعر، حکم به احتیاط واجب نموده‌اند (خمینی، بی‌تا، ج ۱: ۴۴۱؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۵: ۱۱۳).

آیت‌اله سیستانی و آیت‌اله صافی وقوف مقداری از شب عید تا صبح را در مشعرالحرام واجب دانسته‌اند (مظاهری، ۱۳۹۷: ۳۸۳؛ صافی، ۱۴۲۳ق، ج ۴: ۱۷۴).

۳,۲. عدم وجوب مبیت در مشعر

عبارات فقیهان متقدم که وقوف در مشعر را بعد از طلوع فجر واجب دانسته‌اند، ظهور دارد در اینکه وقوف واجب، منحصر در وقوف بین‌الطلوعین است. برای نمونه محقق حلی در بیان واجبات مشعر فرموده است:

«از جمله واجبات مشعر این است که بعد از طلوع فجر در آنجا وقوف داشته باشد، پس اگر عمداً بعد از توقف شبانه و لو کم، قبل از طلوع فجر از مشعر کوچ کند حجش باطل نمی‌شود مشروط به اینکه در عرفات وقوف داشته باشد و باید برای جبران کوچ قبل از طلوع فجر، گوسفندی را قربانی کند» (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۲۳۱).

صاحب مدارک نیز در شرح این فقره از عبارات شرایع فرموده است:

«این حکم (وجوب وقوف در مشعر بعد از طلوع فجر) بین اصحاب، اجماعی است، و دلیل دال بر آن علاوه بر تأسی به فعل نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌و آله و امامان معصوم علیهم‌السلام، صحیحیه معاویه بن عمار است که امام علیه‌السلام می‌فرمایند: «أصبح علی طهر بعد ما تصلى الفجر...» و در عبارت مصنف (محقق حلی) مطلبی دال بر وجوب وقوف شبانه در مشعر وجود ندارد.» (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۷: ۴۲۳).

۴. ادله اقوال

۴,۱. نظریه وجوب

از مطالبی که در اثتای کلام فقها بیان شد، ادله دال بر وجوب مبیت در مشعر معلوم شد که می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. تأسی به فعل نبی مکرم اسلام (ص) و امامان اهل بیت (ع):

فعل پیامبر اکرم (ص) و امامان اهل بیت (ع) که در صدد تبیین عملی چگونگی انجام

واجبات حج بوده‌اند، به خوبی می‌تواند بر وجوب توقف شبانه در مشعرالحرام در شب عید قربان دلالت داشته باشد (صاحب جواهر، بی تا، ج ۱۹: ۷۳).

برخی فقهای معاصر با تمسک و تاسی به همین سیره، وجوب وقوف در عرفات تا غروب آفتاب و عدم جواز کوچ قبل از غروب را نتیجه گرفته و چنین نگاشته‌اند:

«قریش در زمان جاهلیت به جهت تکبر و فخرفروشی، از عرفات قبل از غروب خورشید کوچ می‌کردند تا با دیگر عشایر عرب که بعد از غروب آفتاب کوچ می‌کردند همراه نشوند، رسول گرامی اسلام صلی‌الله علیه و آله به جهت مخالفت با آنان، بعد از غروب از عرفات به سمت مشعر حرکت نمودند. عمل معصوم علیه‌السلام گرچه دلالت بر کیفیت عمل یعنی وجوب یا استحباب ندارد، اما چون نبی مکرم اسلام صلی‌الله علیه و آله درصدد بیان معالم و احکام حج بوده‌اند لازم است به روش ایشان تمسک صورت گیرد مگر دلیلی برخلاف آن دلالت کند» (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ج ۴: ۳۵۹).

۲. روایت صحیح معاویه بن عمار و حماد از حلبی از امام صادق(ع):

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ وَ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ: «لَا تُصَلِّ الْمَغْرِبَ حَتَّى تَأْتِيَ جَمْعًا فَتُصَلِّيَ بِهَا الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَ إِقَامَتَيْنِ وَ أَنْزَلَ بِبَطْنِ الْوَادِي عَنْ يَمِينِ الطَّرِيقِ قَرِيبًا مِنَ الْمَشْعَرِ وَ يُسْتَحَبُّ لِلصَّرُورَةِ أَنْ يَقِفَ عَلَى الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ يَطَّأَهُ بِرِجْلِهِ وَ لَا يُجَاوِزَ الْحِيَاضَ لَيْلَةَ الْمُزْدَلِفَةِ وَ يَقُولُ اللَّهُمَّ هَذِهِ جَمْعُ اللَّهِ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ...» (كليني، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۴۶۸).

معاویه بن عمار و حماد از حلبی از امام صادق(ع) چنین نقل می‌کند:

«نماز مغرب را نخوان تا به جمع (نام دیگر مشعر) بیایی، پس در آنجا نماز مغرب و عشاء را با یک اذان و دو اقامه به‌جای آر و در میان آن سرزمین از جهت راست مسیر، نزدیک به کوه فرود بیا و برای کسی که حج را اولین مرتبه انجام می‌دهد مستحب است با قدم‌های خود بر کوه در مشعر بایستد و نباید شب مشعر از حیاض (مرز مشعر) بگذرد.»

وجه استناد به روایت مذکور از این قرار است که نهی از عبور از مشعر و حرکت به سمت منا فرع توقف و بودن در مشعر است، به عبارت دیگر روایت مذکور بیان می‌کند مکلف نباید از مرز مشعر بگذرد و لازمه عدم عبور از مرز، بیتوته در مشعر تا طلوع فجر است.

برخی مراجع معاصر در نقد و بررسی استدلال و استناد به روایت مذکور نوشته‌اند: «در جواب از این استدلال گفته شده: به ظاهر روایت عمل نشده، زیرا اگر مکلف مدت کوتاهی از مرز مشعر عبور کند و سپس به مشعر بازگردد، بالضروره جایز است... از این رو گذر از مرز مشعر با همین عنوان و مستقلاً، به طور قطع مورد نهی نیست. ممکن است نهی از عبور، ارشادی باشد تا مکلف، وقوف در مشعر را از دست ندهد؛ علاوه بر این حتی با قطع نظر از این اشکال، نهی از عبور از مرز مشعر، دال بر وجوب بیتوته نیست، زیرا امکان امتثال این نهی وجود دارد حتی اگر مکلف مقداری از شب یا تا طلوع فجر در خارج مشعر در راه عرفه یا مشعر بماند (چون در این فرض هم از مرز «حیاض» عبور نکرده است)» (صافی، ۱۴۲۳ق، ج ۴: ۱۷۴).

ایشان در پاسخ به این اشکال معتقد شده‌اند معنای عدم تجاوز از مرز مشعر این است که مکلف باید تمام شب را در مشعر بماند و از مرز مشعر خارج نشود و این مطلب با خروج کوتاه مدت مکلف از مشعر و بازگشت دوباره منافات ندارد (صافی، ۱۴۲۳ق، ج ۴: ۱۷۴). بنابراین ایشان معتقد شده مبیت در مشعر واجب است و جواز خروج مقطعی و کوتاه مدت منافاتی با این وجوب ندارد، زیرا مبیت به صورت کلی و در یک بازه و مجموعه‌ای از زمان واجب است و به صورت استیعابی واجب نیست.

۳. صحیحہ معاویہ بن عمار از امام صادق(ع):

رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «أَصْبَحُ عَلَى طَهْرٍ بَعْدَ مَا تُصَلِّي الْفَجْرَ فَقِفْ إِنْ شِئْتَ

قَرِيبًا مِنَ الْجَبَلِ وَإِنْ شِئْتَ حَيْثُ تَبَيْتُ فَإِذَا وَقَفْتَ فَاحْمَدِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَأَثْنِ عَلَيْهِ... ثُمَّ أَفْضُ حَيْثُ يَشْرِقُ لَكَ ثَبِيرٌ وَ تَرَى الْإِبِلَ مَوَاضِعَ أَخْفَافَهَا» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۱۹۱).

معاویه بن عمار از امام صادق(ع) چنین نقل می‌کند:

«صبح کن بر طهارت بعد از اینکه نماز صبح را به جای آوردی، پس اگر خواستی نزدیک کوه بایست و اگر خواستی در جایی که شب را به صبح رسانده‌ای... سپس کوچ کن از مشعر زمانی که خورشید طلوع می‌کند و شتر جای پایش را می‌بیند.»

وجه دلالت روایت مذکور بر وجوب مبیت در مشعر این است که در این روایت، بیتوته شبانه مفروغ‌عنه گرفته شده است (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ج ۴: ۴۰۲).

۴. ممکن است گفته شود روایاتی که برای زنان، کوچ شبانه به منا را مجاز شمرده، می‌تواند بر وجوب وقوف شبانه در مشعر و لو فی الجملة دلالت داشته باشد، است. مانند روایات ذیل:

الف) صحیحہ ابی بصیر و سعید اعرج از امام صادق(ع)

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: «لَا بَأْسَ بِأَنْ تُتَقَدَّمَ النِّسَاءُ إِذَا زَالَ اللَّيْلُ فَيَقِفْنَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ سَاعَةً ثُمَّ يَنْطَلِقْنَ بِهِنَّ إِلَى مَنَى فَيَرْمِينَ الْجَمْرَةَ ثُمَّ يَصْبِرْنَ سَاعَةً ثُمَّ يَقْضِرْنَ وَ يَنْطَلِقْنَ إِلَى مَكَّةَ فَيَطْفِنَ إِلَّا أَنْ يَكُنَّ يَرِدْنَ أَنْ يَذْبَحَ عَنْهُنَّ فَإِنَّهُنَّ يُوَكَّلْنَ مَنْ يَذْبَحُ عَنْهُنَّ». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۴۷۴).

ب) صحیحہ سعید اعرج از امام صادق(ع):

«عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ مَعَنَا نِسَاءً فَأَفِضُ بِهِنَّ بَلِيلًا؟ قَالَ: نَعَمْ، تُرِيدُ أَنْ تَصْنَعَ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَالَ: قُلْتُ: نَعَمْ، فَقَالَ: أَفْضُ بِهِنَّ بَلِيلًا...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۴۷۵).

زیرا در برخی از این روایات که از سند صحیحی نیز برخوردارند، زنان به توقفی کوتاه در مشعرالحرام قبل از کوچ به منا امر شده‌اند و امر به توقف کوتاه‌مدت با وجوب حضور شبانه در این سرزمین تناسب دارد؛ زیرا در این فرض، فرد معذور، در حد توان، به وقوف در مشعر امر شده است.

۴,۲. نظریه عدم وجوب

برخی فقها قائل به عدم وجوب مبیت در سرزمین مشعرالحرام شده‌اند، آنان معتقدند ادله قائلان به وجوب برای اثبات این حکم، کافی نیست و بدین ترتیب مادامی که دلیل محکمی بر وجوب، وجود نداشته باشد، ماندن و توقف شبانه تا قبل از طلوع فجر در مشعرالحرام واجب نخواهد بود. علاوه بر اینکه اصل عملی برائت نیز بر عدم وجوب مبیت در مشعر دلالت دارد.

آیت‌الله سبحانی استفاده وجوب بیتوته در مشعر بعد از نیمه‌شب را از سیره به این دلیل که سیره و فعل پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) اعم از وجوب است، نپذیرفته و نیز در رد استفاده وجوب از روایت صحیح حلبی چنین نگاشته است:

«اشکال وارد بر استدلال به روایت این است که روایت بر طبق سیره مستمر حجاج وارد شده، چه اینکه غالب حجاج - اگر همه چنین نکنند - از عرفات به مشعر کوچ می‌کنند و در سرزمین مشعر بیتوته دارند تا برای وقوف بین‌الطلوعین آماده باشند، از این‌رو در این ظرف، امام علیه‌السلام حجاج را از عبور از حیاض که به معنای محل جمع شدن آب و خارج از مشعر است نهی نموده‌اند. لذا در صحیح‌ه معاویه بن عمار از امام (ع) چنین نقل شده است: «حد مشعر از مازمین تا حیاض تا وادی محسّر است». بنابراین این روایت دلالت بر لزوم مبیت در مشعر ندارد» (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ج ۴: ۴۰۲).

همچنین ایشان معتقد شده مفروغ بودن بیتوته، دلیلی بر وجوب مبیت به‌شمار نمی‌آید، بلکه بیتوته می‌تواند از باب مقدمه علمی برای درک وجوب وقوف بین‌الطلوعین باشد. از این‌رو مانعی ندارد حج‌گزار، شب را در سرزمین عرفات سپری کند و قبل از طلوع فجر در این سرزمین حاضر شود (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ج ۴: ۴۰۲).

۵. نقد و بررسی و بیان قول مورد پذیرش

به نظر می‌رسد در نقد و بررسی ادله‌ای که برای اثبات وجوب میبت در مشعرالحرام ارائه شده است، می‌توان گفت که سیره چنانکه در بیان برخی فقهای معاصر نیز گذشت، اعم از وجوب و استحباب است و صرف انجام فعلی توسط پیامبر اکرم (ص) یا امامان معصوم (ع) بدون اینکه با قرینه همراه باشد، بر وجوب یا استحباب دلالت ندارد و از آنجا که روایات به وضوح بر وجوب توقف در مشعرالحرام در فاصله زمانی طلوع فجر تا طلوع آفتاب دلالت دارد، اگر بیتوته در مشعرالحرام واجب بود نیز باید به همین صراحت بر وجوب آن دلالتی از روایات وجود می‌داشت و همین عدم دلیل، مهم‌ترین دلیل بر عدم وجوب است.

نهی از عبور از مرز مشعر نیز هیچ‌گونه ملازمه‌ای با بیتوته شبانه در مشعر ندارد و آنچه عرف از این نهی می‌فهمد، این است که حرکت شبانه به سمت مناجیز نیست و در مسیر کوچ از سرزمین عرفات به سمت منا و انجام مابقی مناسک، نهایتاً تا سرزمین مشعر مجاز به کوچ است و نباید کوچ کردن را قبل از فرا رسیدن طلوع آفتاب ادامه دهد. به عبارت دیگر مسئله مهم عدم عبور از مرز است، به گونه‌ای که حرکت و عبور بخواهد ادامه کوچ به سمت منا محسوب شود و الا روشن و معلوم است که گذر کوتاه‌مدت از مرز و بازگشت به مشعر عرفا مخالف با نهی محسوب نمی‌شود.

همچنین از آنجا که روایت معاویه بن عمار درصدد بیان و تعلیم ارکان و معالم و واجبات حج است، نمی‌توان به راحتی از آن عبور کرد، به خصوص اگر نسخه تهذیب را بپذیریم، زیرا در این نسخه، حضرت امر به توقف در جایی که حج گزار شب را بیتوته داشته کرده است و می‌فرماید: «بعد از نماز صبح در جایی که شب را بیتوته نموده‌ای بایست و چون ایستادی حمد خدا را به جای آر و ...». با توجه به اینکه امر به دعا بعد از نماز صبح بوده و در این زمان حج گزار حتماً در سرزمین مشعر است، چنین فهمیده می‌شود که وی باید شب را در مشعر بوده باشد تا بتواند مطابق با دستور امام (ع)، صبحگاهان بعد از ادای فریضه صبح، مشغول به دعا شود، پس در کلام امام (ع)، میبت در مشعر مفروغ‌عنه است. اما چنانکه گذشت، مفروغ بودن میبت، به خودی خود بر وجوب آن

دلالت ندارد، بلکه از این نظر که حضرت درصدد تعلیم واجبات حج هستند، می‌توان میبیت را واجب دانست، زیرا اگر میبیت مستحب باشد و حضرت با لحاظ رویه مستمر حجاج در بیتوته و در این ظرف به بیان نحوه ادای مناسک پرداخته باشند، لازم است استحباب یا اباحه میبیت را با عبارتی رسا به راوی متذکر شوند تا حج‌گزار در ضمن تعلیم واجبات مناسک، از مستحبات آن نیز آگاهی یابد. اما با وجود این باز هم نمی‌توان با استناد به این استدلال، وجوب میبیت در مشعرالحرام را ثابت کرد، زیرا ممکن است گفته شود از آنجا که امر به طهارت بعد از نماز صبح و دعا خواندن، امر استحبابی است، پس مفروغ بودن میبیت در کلام حضرت نیز در ظرف بیان مستحبات صورت گرفته است و نمی‌توان از آن وجوب میبیت را استفاده کرد و امام(ع) درصدد بوده‌اند محدوده مکانی را بیان کنند و وجوب میبیت از کلام ایشان فهمیده نمی‌شود.

اما استناد به روایاتی که برخی حج‌گزاران را در کوچ زودتر از موعد به منا مجاز دانسته است، برای اثبات وجوب میبیت در مشعرالحرام کافی نیست، زیرا همان‌طور که این استثنا می‌تواند به علت وجوب بیتوته در مشعرالحرام باشد، می‌تواند به این دلیل صورت گرفته باشد که تسهیلی در انجام مناسک حج توسط بانوان باشد و تسهیل اقتضا دارد برای درک استحباب، به توقیفی کوتاه به گونه‌ای که مسمای و قوف صدق کند، بسنده شود. علاوه بر اینکه به نظر می‌رسد این توقیف، در ازای توقیف واجبی است که شارع با تسهیلی که برای بانوان در نظر گرفته از دوش آنان برداشته است. بنابراین کسی که معذور نبوده و در بین الطلوعین می‌تواند در مشعر باشد، بودن شبانه برای او در مشعر واجب نخواهد بود. با توجه به ادله‌ای که گذشت به نظر می‌رسد قول عدم وجوب بیتوته در مشعرالحرام، قولی قوی است و ادله‌ای که قائلان به وجوب ارائه کرده‌اند از قوت کافی برای اثبات وجوب، برخوردار نیست.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان شد، نتایج پژوهش را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. فقها در مورد حکم بیتوته در مشعر بعد از نیمه‌شب نظرهای مختلفی دارند، برخی

به وجوب و برخی به عدم وجوب قائل اند و برخی نیز احتیاط واجب کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد قول کسانی که میبیت در مشعر را واجب نمی‌دانند، به صواب نزدیک‌تر باشد.

۲. برای اثبات وجوب میبیت در مشعر به ادله‌ای مانند تأسی به فعل پیامبر اکرم (ص) و معصومین (ع)، برخی روایات مانند صحیحہ معاویہ بن عمار و حماد از حلبی از امام صادق (ع) و روایاتی که برای زنان، کوچ شبانه به منا را مجاز شمرده است، استناد صورت گرفته است

۳. به نظر می‌رسد هیچ‌یک از ادله مورد استناد مذکور نمی‌تواند وجوب میبیت را اثبات کند، زیرا چنانکه بیان شد، سیره و فعل معصوم (ع) بر اعم از وجوب دلالت دارد و نهی از عبور از مرز مشعر که در دو روایت آمده است نیز هیچ‌گونه ملازمه‌ای با وجوب بیتوته شبانه در مشعر ندارد و آنچه عرف از این نهی می‌فهمد، این است که حرکت شبانه به سمت منا جایز نیست و در مسیر کوچ از سرزمین عرفات به سمت منا و انجام مابقی مناسک، در نهایت تا سرزمین مشعر مجاز به کوچ است و نباید کوچ کردن را قبل از فرا رسیدن طلوع آفتاب ادامه دهد، همچنین از آنجا که امر به طهارت بعد از نماز صبح و دعا خواندن در روایت سومی که مورد استناد قرار گرفته امر استحبابی است، پس مفروغ بودن میبیت در کلام حضرت نیز در ظرف بیان مستحبات صورت گرفته است و نمی‌توان از آن وجوب میبیت را استفاده کرد.

۴. همان‌طور که استثنای معذوران از وقوف در مشعر می‌تواند به علت وجوب بیتوته در مشعرالحرام باشد، می‌تواند به این دلیل صورت گرفته باشد که تسهیلی در انجام مناسک حج توسط بانوان باشد و تسهیل اقتضا دارد برای درک استحباب، به توقیفی کوتاه به گونه‌ای که مسمای وقوف صدق کند، بسنده شود.

کتابنامه

قرآن کریم.

بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق). *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

جعفریان، رسول (۱۳۸۴). *آثار اسلامی مکه و مدینه، چ سوم، قم: نشر مشعر.*

حلی (محقق)، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرایع الاسلام فی احکام الحلال و الحرام، چ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.*

خمینی، روح‌اله (بی‌تا). *تحریر الوسيله، چ اول، قم: دارالعلم.*

خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۱). *مناسک الحج، چ یازدهم، قم: مهر.*

سبحانی، جعفر (۱۴۲۴ق). *الحج فی الشریعه الاسلامیه الغراء*، قم: انتشارات مؤسسه امام صادق(ع).

_____ (۱۴۱۸ق). *نظام القضاء و الشهاده فی الشریعه الاسلامیه الغراء*، قم: انتشارات مؤسسه امام صادق(ع).

شهید ثانی، زین‌الدین عاملی (۱۴۱۳ق). *مسالك الافهام، چ اول، قم: مؤسسه معارف اسلامی.*

صافی، شیخ لطف‌اله (۱۴۲۳ق). *فقه الحج، چ دوم، قم: مؤسسه حضرت معصومه.*

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الامامیه، چ سوم، تهران: المکتبه المرتضویه.*

_____ (۱۴۰۷ق). *تهذیب الاحکام، تحقیق: خراسان، حسن الموسوی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.*

- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۸ق). *کتاب الحج*، چ دوم، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). *العین*، چ دوم، قم: هجرت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *کافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- عاملی، محمد بن علی موسوی (۱۴۱۱ق). *مدارک الاحکام فی شرح عبادات شرایع الاسلام*، چ اول، بیروت: انتشارات آل‌البیت(ع).
- مظاهری، منصور (۱۳۹۷). *مناسک حج*، چ سیزدهم، قم، نشر مشعر.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). *المقنعه*، چ اول، قم: انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق). *مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الازهان*، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق). *مدارک الاحکام*، چ اول، بیروت، مؤسسه آل‌البیت(ع).
- نجفی، محمدحسن (بی‌تا). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، چ هفتم، بیروت: انتشارات دار احیاء تراث عربی.

References

- The Holy Quran
1. Ameli, Mohammad Ibn Ali Mousavi (1991 AH). *Evidence of rulings in the description of the worships of Islamic law*, first edition, Beirut: Al-Bayt Publications. (in Arabic)
 2. Bahrani, Yusuf bin Ahmad (1405 1985AH). *Al-Hadaiq al-Nadharah in the rules of Atrah al-Tahrir*, Qom: Daftar Publications Islami, 1405 AH. (in Arabic)
 3. Fazel Lankarani, Mohammad (1418 1998 AH). *Kitab al-Hajj*, second edition, Beirut: Dar al-Ta'rif Publications. (in Arabic)
 4. Farahidi, Khalil Ibn Ahmad (1410 1990 AH). *Al-Ain*, second edition, Qom, Hijrat Publishing. (in Arabic)
 5. Jafarian, Rasool (2005). *Islamic Works of Mecca and Medina*, Third Edition, Qom: Mashar Publishing. (in Persain)

6. Hali (researcher), Najmuddin Ja'far ibn Hassan (1408 1988 AH). *Sharia al-Islam fi Ahkam al-Halal w, a al-Haram*, second edition, Qom: Ismailian Institute Publications. (in Arabic)
7. Khomeini, Ruhollah (Bita). *Tahrir al-Wasilah*, first edition, Qom: Al-Alam Institute. (in Persain)
8. Khoei, Abolghasem (1991). *Rites of Hajj*, 11th edition, Qom: Mehr Publications. (in Arabic)
9. Klini, Mohammad Ibn Ya'qub (1987). *Kafi*, Tehran, Dar al-Kitab al-Islamiyya Publications. (in Arabic)
10. Mazaheri, Mansour (2018). *Hajj Rites*, 13th edition, Moshar Publishing. (in Persain)
11. Mofid, Muhammad ibn Muhammad ibn Numan (1413AH 1993). *Al-Muqna*, first edition, Qom: Sheikh Mofid World Congress Publications. (in Arabic)
12. Muqaddas Ardabili, Ahmad Ibn Mohammad (1403 AH 1983). *Majma 'al-Fa'ida wa al-Burhan fi Sharh Irshad al-Azhan*, first edition, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom,. (in Arabic)
13. Mousavi Ameli, Mohammad Ibn Ali (1411AH 1991). *Madarak al-Ahkam*, first edition, Beirut: Al-Bayt Institute. (in Arabic)
14. Najafi, Mohammad Hassan (Bita). *Jawahar al-Kalam fi Sharh Sharia al-Islam*, seventh edition, Beirut: Dar Al-Ahya Arab Heritage Publishing House. (in Arabic)
15. Sobhani, Ja'far (1424AH 2004). *Al-Hajj in Islamic Sharia Al-Ghara*, Qom : Imam Sadegh (as) Institute Publications. (in Arabic)
16. ----- (1418AH 1998). *The Judiciary and Martyrdom in Islamic Sharia Al-Ghara*, Qom: Imam Sadegh (as) Institute Publications,. (in Arabic)
17. Shahid Thani, Zainuddin Ameli (1413AH 1993). *Masalak al-Afham*, first edition, Qom, Institute of Islamic Studies. (in Arabic)
18. Safi, Sheikh Lotfollah (1423AH 2003). *Fiqh al-Hajj*, second edition, , Qom: Hazrat Masoumeh Institute Publications. (in Arabic)
19. Tusi, Mohammad Ibn Hassan (2008). *Al-Mabsut Fi Fiqh Al-Imamiyya*, third edition, Tehran: Al-Muktabah Al-Mortazaviyah. (in Arabic)
20. ----- (1407AH 1987). *Tahdhib al-Ahkam, Realization: Khorasan*, Hassan al-Musawi, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyya. (in Arabic)